Archive of SID

فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی/ سال هفدهم/ شماره شصت و چهار / تابستان ۱۴۰۰/ صفحات ۱۴۴-۱۳۱

علمی- پژوهشی

نفقه زوجه و مقاصد شریعت[۱]

سیده فاطمه محمودی *
علی اکبر ایزدی‌فرد **
عابدین مومنی ***

چکیده

یکی از رویکردهای مهم در مطالعات فقهی، توجه به مقاصد شریعت در احکام شرعی است، یعنی توجه به ملاکات و علل وضع احکام و نیز مصالح و مفاسد آن از منظر قانون‌گذار اسلام به گونه‌ای که آن مقاصد و علل احکام با روح کلی شریعت اسلام منافات نداشته باشد. بر اساس مقاصد کلی شریعت در نکاح که عبارت است از تشکیل خانواده، تولید نسل و انشاء صورت انسانی نه اطفای شهوت حیوانی و مقاصد جزیی شریعت در نفقه که عبارت است از تأمین نیازمندی های زن در خانواده، می توان گفت که اولاً: نفقه همسر به عنوان تکلیف یک جانبه بر عهده شوهر بوده و فقط نشوز زوجه مانع استمرار آن است. ثانیا: نفقه زوجه عبارت است از تامین نیازهای مادی، بهداشتی، معنوی، روانی، علمی و آموزشی او در راستای استحکام نظام خانواده و تربیت صحیح فرزندان، از این رو تعیین نفقه در مسائل مادی مانند مسکن، لباس و غذا از باب طریقیت بوده و فی نفسه موضوعیت ندارد. ثالثاً: نفقه زوجه به عنوان هدف میانی یعنی دنیوی مطرح بوده نه هدف اصلی و اخروی.

کلید واژه‌ها: نفقه، مقاصد شریعت، نیازهای مادی، نیازهای معنوی، هدف اصلی.

۱- تاریخ وصول: ۱۳۹۷/۰۸/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۱۴

* دانشجوی دکتری تخصصی، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران
** استاد گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران(نویسنده مسؤول)
izadifard@umz.ac.ir
*** دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

www.SID.ir

Archive of SID

۱- طرح مسأله

بر اساس آموزه های فقهی و آنچه از ظواهر روایات بر می‌آید، نفقه زوجه تکلیف زوج بوده و عبارت است از غذا، لباس و مسکن. در ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی به پیروی از نظر مشهور فقها نفقه عبارت است از مسکن، البسه، غذا و اثاث البیت که بطور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد و خادم در صورت عادت زن به داشتن خادم یا احتیاج او به واسطه مرض یا نقصان اعضاء. البته این ماده در تاریخ ۱۳۸۱/۸/۱۹ اصلاح شد و چنین مقرر گردید: « نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض». اما آنچه مهم است بدان توجه شود این است که آیا شرط عدم نفقه در نکاح دائم صحیح است؟ آیا نیازهای زن به نفقه به عنوان همسر و مادر فرزندان، فقط در مسائل مادی است یا این که قلمرو آن موسّع بوده و شامل امور بهداشتی، معنوی، روانی، علمی و آموزشی نیز می‌شود ؟ با توجه به مقاصد کلی شریعت در نکاح که همان تشکیل خانواده، تولید نسل سالم و تربیت صحیح فرزندان است و نیز مقاصد جزئی شریعت در نفقه زوجه که رفع نیازمندی های او در محیط خانواده است، توافق بین زوجین در مورد شرط عدم نفقه صحیح نبوده و نفقه زوجه شامل همه آن مواردی است که مرد به دلیل وظایفی که بر عهده اوست، باید آن را تامین نماید، چه وظایف پایه ای مانند تامین نیازهای اولیه مثل خوراک، پوشاک، مسکن، امنیت و مراقبت های بهداشتی و چه وظایف تکمیلی- تربیتی مانند فراهم-آوردن آموزش و کمال خانواده، رشد و ارتقاء معنویت و تامین محبّت و تکریم متقابل. همه این ها به عنوان هدف میانی است به گونه‌ای که با انجام آن سعادت اخروی زوجین در محیط خانه و خانواده تأمین گردد. در این صورت است که خانواده دارای کارکردی مطلوب شده و آرامش و استحکام در محیط خانواده حاکم می‌گردد.

۲- مفهوم شناسی

۲-۱- نفقه

نفقه در زبان فارسی در دو معنا به کار رفته است؛ یکی آن چه از درم و امثال آن صرف خویشتن و عیال خود کند، دوم آنچه انفاق و بخشش کنند. نفقه دادن یعنی متکفل معاش دیگری شدن و هزینه‌های معاش دیگری را تعهد کردن(دهخدا، ۱۳۷۷، ۲۲۶۴۱). راغب در مفردات گوید ""نفقه اسم است برای آن چیزی که انفاق می شود ؛مانند آیه ""و ما انفقتم من نفقه""(بقره، ۲۷۰)(راغب اصفهانی، بی‌تا،۵۲۴). در اصطلاح، فقهاء معمولا نفقه را ذیل غذا، لباس و مسکن آورده‌اند و عبارت است از تامین نیازمندی‌های زن

www.SID.ir

Archive of SID

در موارد مذکور(ابن النجّار، بی‌تا، ۲، ۳۶۹؛ ابن الهمام، بی‌تا، ۳،۳۲۱؛ شهید ثانی، بی‌تا،۵، ۴۶۹، ....) در ماده-ی۱۱۰۷ قانون مدنی نیز نفقه علاوه بر آنچه آمد، شامل همه نیازهای متعارف و متناسب زن اعم از مادی، درمانی و بهداشتی گردیده است.

۲-۲- مقاصد شریعت

کلمه مقصد در لغت به معنای چیزی است که مورد قصد واقع می شود، چنان چه کلمه قصد برای توجه به چیزی و عزم داشتن نسبت به چیزی و نیز به معنای هدف ، غایت، عدالت و میانه روی به کار می رود (جوهری، ۱۴۱۰، ۲، ۵۲۵؛ ابن منظور،۳،۳۵۳،۱۴۱۰؛ الفیومی،۱۴۱۴، ۵۰۴). در تعریف اصطلاحی آمده که مقاصد کلی جعل و وضع شریعت عبارت است از منظورها و حکمت هایی که در تمام حالتهای وضع شریعت یا غالب حالت های آن، شارع مقدس آنها را لحاظ کرده است به گونه ای که لحاظ شدن آن منظورها و حکمت ها اختصاص به گروه خاصی از احکام شریعت نداشته باشد (ابن عاشور،۱۴۲۱،۲۵۱ و۲۵۲). به بیان دیگر مقاصد شریعت، اهداف و اغراضی است که احکام برای تحقق آنها تشریع شده‌اند و در همه‌ی احکام شریعت یا اکثر آنها و یا در هر حکمی از احکام لحاظ شده است. بدون تردید احکام شرعی در مقام ثبوت (و واقع) و نفس الامر تابع مقاصد و اغراضی است اما در مقام اثبات، برای کشف مقاصد شریعت، آیات و روایات و عقل قطعی می‌تواند معتبر ترین منبع باشد. یکی از راهها در راستای اجتهاد و استنباط احکام ، توجه به مقاصد شریعت است؛ به این بیان که ادله و نصوص بیان کننده حکم به عنوان پایه و اساس اجتهاد قرارگیرد ولی در تفسیر و تبیین آن، مقاصد و علل احکام که با روح کلی شریعت منافات نداشته باشد، نیز مورد توجه واقع شود، چنان که بعضی از فقهای امامیه چنین روشی را در اجتهاد داشته اند؛ مانند شیخ صدوق در کتاب" علل الشرایع" و شهید اول در " القواعد و الفوائد"(شهید اول، بی‌تا، ۱، ۳۵ تا ۳۸). علامه محمد تقی مجلسی در کتاب فقه خود (۱۴۰۰ ،۲۰۰) و پسرش محمد باقر مجلسی در"" مراه العقول""(۱۴۰۴،۱۰، ۶۷) و فاضل مقداد در مقدمه کتاب فقهی خود ""التّنقیح الرائع""(۱۴۰۴، ۱۲-۱۶)مقاصد ضروری را حفظ دین، حفظ نفس، حفظ عقل، حفظ نسل (فروج) و حفظ مال محصور کرده و رعایت این مقاصد را در شریعت تمام پیامبران لازم و ضروری دانسته‌اند و فقها نیز در استنباط حکم بسیاری از مسایل مستحدثه که نص خاصی در مورد آن وجود ندارد، از مقاصد ضروری که در جهت مصلحت مردم و جامعه است استفاده کرده اند. به عنوان نمونه یکی از اقسام تلقیح مصنوعی که نطفه مردی را با نطفه زن بیگانه ترکیب می کنند و در رحم زن قرار می دهند، بعضی از فقها آن را جایز ندانسته و علت آن را حفظ فروج و سلامت نسل دانسته است (انصاری، بی‌تا، ۱، ۳۱۱). برخی از اصولیین

www.SID.ir

Archive of SID

در مواردی که مقاصد شریعت در تزاحم با احکام قرار گیرد، مقاصد را از باب اهم مقدم بر آن قرارداده اند. در کتاب اصول الفقه مظف آمده : ""یکی از جهات ترجیح دو دلیل متزاحم این است که یکی از آنها به جهتی از جهات نزد شارع مقدس اولوّیت داشته باشد.این اولوّیت یا ازادله معلوم می شود و یا از مناسبت حکم با موضوع و یا از طریق ادله سمعی با شناخت ملاکات احکام، به عنوان مثال یکی از این اولویت ها این است که اگر حکمی برای حفظ کیان اسلام باشدبر سایر احکام مقدم است. اولوّیت دیگر در مورد دماء و فروج است .حفظ و صیانت در این موارد بیشتر از سایر موارد است، چون شارع در این موارد امر به احتیاط شدید فرموده است. پس اگر امر دایر شود بین حفظ جان مومن و حفظ مال او، قطعا حفظ جانش مقدم بر حفظ مال اوست""(مظفر، ۱۳۷۵، ۲، ۲۱۸).

۳- مقاصد کلی شریعت و نفقه زوجه

منظور از مقاصد کلی شریعت عبارت است از آنچه که قانون‌گذار اسلام در وضع احکام شریعت مورد توجه قرارداده است. در نکاح که نفقه از آثار و احکام آن است، مقصود اصلی شارع مقدس تولید نسل و تربیت فرزندان است نه فقط اطفای شهوت حیوانی و ارضای غرایز جنسی. ازدواج در اسلام مطلوبیت ذاتی دارد زیرا با ازدواج هم زمینه های رشد و شکوفایی استعدادهای بالقوه در انسان فراهم می‌شود و هم ذخیره گرانبها و سرمایه‌ای بی‌پایان و جاودان چون تربیت نسل پاک و فرزند صالح به بشریت ارزانی می شود. از این رو تاکیدات اسلام در زمینه ازدواج به خاطر غرض مهمتر و والاتری است و آن فرزند آوری است. علامه طباطبایی در تفسیر آیه شریفه "و نساء کم حرث لکم...""(بقره، ۲۲۳)گوید :""در این آیه خطاب به مردان و زنان برای تحریک بر باقی ماندن نوع بشر به وسیله نکاح و فرزند زادن به عنوان غایت اصلی است"" (۱۳۹۰، ۲، ۲۲۳). به همین جهت که اسلام از لواط و مساحقه و زنا به شدت نهی کرده است. در قرآن عمل زشت لواط علاوه بر اسراف، خبیث بودن، فسق و تجاوز، به عنوان قطع سبیل مطرح شده است. در سوره عنکبوت آیه ۲۹ آمده "" أَئِنَّكم لتاتون الرجال و تقطعون السبيل""؛ حضرت لوط به قوم خود گفت: آیا شما به شهوت با مردان خلوت کرده و راه (فطرت زناشویی) را قطع می کنید. در ارتباط با ""تقطعون السبيل"" در تفاسیر، معانی مختلفی آمده که یکی از آنها به این معنا است که نسل آینده را قطع می کنید، زیرا با مردان ازدواج نموده و از زنها فاصله می گیرد و به این سبب نسل آینده قطع خواهد شد(طبرسی، ۱۳۷۲، ۸، ۴۴۱؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ۴، ۱۹۳؛ زمخشری،۱۴۰۷، ۳، ۴۵۲). در تفسیر المیزان آمده:"" مراد از قطع سبیل، قطع تناسل است. به عبارت دیگر مقصود از راه، همان راه بقاء نسل است که آنها با توجه به لواط و اعراض از زنان،راه تناسل را که راه بقاء نسل است ، قطع می کردند(علامه

www.SID.ir

Archive of SID

طباطبایی،۱۲۳،۱۶،۱۳۹۰) در روایتی از امام صادق (ع) سئوال شد که چرا خداوند لواط را حرام کرده است؟ حضرت فرمودند :"" دلیل تحریم این است که اگر لواط حلال می‌بود، مردان از زنان بی نیاز می‌شدند و این بی‌نیازی سبب قطع نسل انسان و تعطیل شدن نکاح می‌شد(حر عاملی، ۱۴۰۹، ۲۰، ۳۲۲و۳۳۳- ؛ مجلسی دوم، ۱۴۱۰، ۱۰۰، ۳۶۹).

براساس پیش گفته، فلسفه تحریم لواط و نیز مساحقه، علاوه بر اینکه برخلاف طبیعتی است که خداوند برای زن و مرد قرارداده، به خاطر این است که اگر مردان و زنان هم جنس گرا شوند، شیوع آن سبب عدم ازدواج و تشکیل خانواده و در نهایت نابودی نسل بشر خواهد بود . فلفسه تحریم زنا نیز در همین راستا است، یعنی حفظ فروج از فواحش و امر به ازدواج از طریق مشروع و صحیح تا اولاً فرزندی که به دنیا می‌آید به لحاظ نسب معلوم باشد، ثانیاً سلامت نسل حفظ شود، ثالثا پدر و مادر نسبت به سر پرستی، تعلیم و تربیت او احساس مسؤولیت کرده و فرزندانی دارای شخصیت والا و ارزشمند تحویل جامعه دهند. علامه طباطبایی در تفسیر آیه شریفه ""ولاتقربو الزنا انه کان فاحشه وساء سبیلا"" (اسراء، ۳۲)؛ به زنا نزدیک نشوید، به درستی که آن فحشا و راهی بد است گوید: "" این آیه از زنا نهی می‌کند و در حرمت آن مبالغه کرده است، چون نفرمود : این کار را نکنید، بلکه فرمود: نزدیکش هم نشوید و این نهی را چنین تعلیل کرده که این عمل فاحشه است و زشتی و فحش آن، صفت لاینفک و جدایی ناپذیر آن است به طوری که در هیچ فرضی از آن جدا نمی شود و با تعلیل دیگر که فرمود :""وساء سبیلا""فهماند که این روش، روش زشتی است که به فساد جامعه در تمام شئون منجر می شود و به کلی نظام اجتماع را مختل ساخته وانسانیت را به نابودی می کشاند(۱۳۹۰، ۸۵،۱۳).

قانون گذار اسلام در واقع در نهی از زنا علاوه بر این که راه صحیح زناشویی و نکاح را بیان می دارد ،بر روی تولید نسل سالم، مشروع و پاک یعنی انشاء صورت انسانی تاکید می‌ورزد. در روایات اسلامی آمده که علت حرمت زنا قطع نسب‌ها است. زن زنا کار نمی‌داند چه کسی او را آبستن کرده و فرزند نمی‌داند پدرش کیست؟(حرعاملی،۳۳۲،۲۰،۱۴۰۹و ۳۳۳)در نتیجه قانون ارث فاسد شده و تعلیم و تربیت فرزندی صالح از بین می رود(همان،۳۱۱،۲۰). یکی از نتایج قهری زنا در معرض خطر قرار گرفتن نسل انسانی است، چراکه در روابط نامشروع جنسی، تنها انگیزه همان ارضای شهوت و کامیابی جنسی و لذت‌های حیوانی است و طبیعی است که در چنین وضعیتی نه تنها هیچ علاقه ای برای به وجود آمدن فرزند در میان نیست بلکه سعی در جلوگیری آن است تا به این وسیله اولا با مخفی‌نمودن این روابط، مانع بروز چنین عواقبی گردند، ثانیا قیود، تعهدات و مسؤولیت هایی کعه ممکن است در اثر به وجودآمدن فرزند برای آنها حاصل شود، متحمل نگردند و با آزادی هرچه بیشتر به کامیابی های حیوانی و مادی بپردازند،

www.SID.ir

Archive of SID

ثالثا با رواج بی بند و باری جنسی، خانواده‌ها از هم خواهد پاشید و کانونی کارآمد برای تربیت و پرورش نسل آینده وجود نخواهد داشت و جامعه به جای نسلی سالم، فعال و پراستعداد، گرفتار افرادی فاسد، بیمار و آلوده به زشتی ها و پلیدی ها خواهد شد. ""منتسکیو"" در زمینه به خطر افتادن بقای نسل در اثر روابط نامشروع می گوید:"" وصلت های نامشروع ثابت نیست و مادر هم که به سهم خود باید فرزند را نگهداری و تربیت کند با موانع بسیاری از قبیل خجالت و پشیمانی مصادف گردیده و غالبا وسیله مادی تربیت فرزند را ندارد. زن های که شغل فحشا را در پیش می گیرند برای نگهداری فرزندان خود به قدری با اشکالات مصادف می شوند که نمی‌توانند کودک را مواظبت و تربیت نمایند، به علاوه قانون هم به آنها اعتماد ندارد و آنها را برای تربیت و نگهداری کودک صالح نمی داند."" آنگاه در یک نتیجه گیری معتقد است که یکی از عوامل اصلی از دیاد نسل، داشتن یک زندگی آبرومند و مطابق با موازین قانون است (منتسکیو،۱۳۴۹، ۶۲۹). با توجه به آنچه آمد،توجه به مقاصد کلی شریعت در نکاح در ارتباط با تبیین، تفسیر و توسعه نیازهای زن در خانواده نقش اساسی دارد. به بیان دیگر وقتی که مقصود اصلی در نکاح آرامش در محیط خانه، تولید نسل، انشاء صورت انسانی و تربیت فرزندانی صالح باشد، در این صورت نیازهای زن که نقش اصلی و اساسی را دارد، فراتر از امور مادی بوده و شامل امور روانی، معنوی، علمی و هرآن چیزی است که در استحکام خانواده و تربیت فرزند موثر است و مرد موظف است علاوه بر تامین نیازهای مادی، نیازهای معنوی زن را نیز برآورده سازد، مانند فراهم‌کردن آموزش و تحصیل علوم تربیتی، ایجاد محیط آرام و سالم در خانواده، تقویت عشق به زندگی مشترک، همکاری با همسر در امور خانواده و کمک به یکدیگر در جهت کسب کمالات انسانی و الهی. شایان ذکر است که تامین این نیازمندی ها فقط بر عهده شوهر است(ماده ۱۰۶ قانون مدنی). زیرا بدیهی است که اگر زن بخواهد نفقه زندگی را عهده دار گردد، در همسرداری، تربیت فرزند و ایجاد محیط امن و آرام در خانه موفقیت کامل و مطلوب را بدست نمی آورد.

علاوه بر آنچه ذکر شد، از دیدگاه مقاصد پنجگانه شریعت نیز می توان مدعای فوق را اثبات کرد .بدون تردید دین مبین اسلام که مجموعه ای از قوانین و مقررات است، برای عدالت و حفظ مصالح مردم آمده است. از طرف دیگر احکام شرعی ،هرچند که مبتنی بر آیات و روایات است، اما نباید در تعارض با عقل قطعی و بناء عقلاء باشد. موضوع نفقه زوجه که در راستای رفع نیازهای زن در محیط خانواده است ، بر اساس عدالت و حفظ مصلحت خانواده و جامعه و نیز بناء عقلاء و به دلیل حکم عقل قطعی از جمله نظم و امنیت خانواده و حفظ نسل،شامل همه نیاز های زن به عنوان همسر، سبب آرامش و مورد اعتماد شوهر در کانون خانه و مادر فرزندان می گردد. عدم توجه به این امر می تواند آثار سوء در بعد خانوادگی و

www.SID.ir

Archive of SID

اجتماعی داشته باشد؛ از جمله بی اعتمادی، عدم آرامش، عدم تربیت صحیح فرزندان، احساس حقارت و عقدهای روانی در زن و در نهایت در فرزندان، افزایش جرائم، عدم سلامت نسل چه در بعد معنوی (مانند عدم تزکیه و تطهیر نفس) و چه در بعد خانواده (مانند آماده نشدن محیط خانه برای پرورش فرزندانی که دارای شخصیت والا و ارز شمند باشند) و چه در بعد طهارت جنسی (مانند رواج بی بندوباری جنسی و هرزه گی اخلاقی). شایان ذکر است که در میان این مصالح پنجگانه، حفظ دین یعنی سعادت اخروی که مبتنی بر کسب کمالات انسانی و الهی و تقرب به خداوند است، به عنوان هدف اصلی بوده و تاکید اسلام بر مصالح چهارگانه دیگر رسیدن به آن است.

۴- مقاصد جزیی شریعت و نفقه زوجه

منظور از مقاصد جزیی شریعت عبارت است از آنچه که از آیات و روایات در باب نفقه زوجه به عنوان مقصود و هدف اصلی شارع مقدس آمده است. بر اساس آموزه های دینی ، قوّامیت مرد بر زن(نساء،۳۴) که به دنبال نفقه زن مطرح شده نه به معنای برتری مرد بر او بلکه مربوط به مسائل مالی و مدیریت اقتصادی و اجتماعی مرد در خانواده است و نیز در کارهای زن و رفع نیازمندی های او قیام و در محافظت شان در چارچوب مصالح خانواده ،رعایت و مراقبت نمایند. به عنوان مثال زن موظف است در چارچوب روابط زوجّیت و تربیت فرزند و استحکام خانواده از صلاحدید و مصلحت اندیشی شوهر پیروی نماید. نمونه بارز آن زمانی است که شوهر بیرون رفتن زن از منزل (بدون ضرورت) یا برخی از معاشرت های او را به صلاح خانواده نداند یا اینکه نوع خاصی از اشتغال زن را منافی با مصالح و حیثیات خانوادگی تشخیص دهد و یا تدبیر و روش خاصی را در مورد تربیت فرزندان مناسب بداند که در این موارد زن و مرد با همکاری و همفکری با یکدیگر به راه حل‌ها و راهکارهای مناسب دست می‌یابند و در این راستا هرآنچه زن به عنوان یک انسان در نقش همسر و مربی بدان نیازمند است مرد موظف به تامین آن است. وانگهی منظور از قیام که در آیه آمده، یعنی اقدام همه جانبه، تمام و کامل در جهت برآورده‌کردن نیازهای زن در محیط خانواده. شیخ طوسی در تفسیر آیه فوق گوید:« قوام بر دیگری یعنی کسی که متکفل هزینه، پوشاک و سایر نیازمندی های اوست» (شیخ طوسی ،۱۳۸۷، ۶،۲). علامه طباطبائی گوید : « منظور از قوامیت مرد در انجام امور خانواده، پرداخت نفقه و اهتمام در رفع نیازهای زن است نه این که اراده و تصرف زن در امور زندگی را از وی سلب نماید» (المیزان،۱۳۹۴، ۴، ۳۴۴). از این روست که می بینیم در فقه و نیز در قانون مدنی (مواد۱۱۰۴ و ۱۱۶۸ و۱۱۷۱) نگهداری و تربیت فرزندان را تکلیف مشترک زوج و زوجه می داند. در مسایل شغلی و لزوم حفظ شئون خانوادگی در تعیین شغل ، هرچند که قانون مدنی تنها

www.SID.ir

Archive of SID

به اختیار مرد به ممانعت از زن در انتخاب شغلی که منافی با مصالح خانوادگی است، اشاره دارد، اما در ماده ۱۸ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳– که هنوز نسخ نشده – به زن نیز اختیار می دهد که مرد را در انتخاب شغلی که منافی با حیثیت خانوادگی باشد، منع کند. در زمینه همسرداری نیز همان قدر که زن مکلف به رعایت حسن معاشرت و تلاش برای تشیید مبانی خانواده است، مرد نیز مطابق مواد ۱۱۰۳ و ۱۱۰۴ قانون مدنی همانند زن چنین تکلیفی را بر عهده دارد. در روایات نیز در ارتباط با نفقه زوجه، عرف متداول به عنوان معیار قرار گرفته است. روایت شده که هنده زن ابوسفیان نزد پیامبر (ص) آمد و عرض کرد: ای رسول خدا، ابوسفیان مرد خسیس و تنگ چشم است، به من و بچه ام چیزی نمی دهد مگر چیزی که بدون اطلاع أو بردارم. آیا اشکالی دارد؟ پیامبر (ص) فرمود: «خذی ما یکفیک و ولدک بالمعروف» (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۱، ۳۰۲)؛ چیزی که کفایت تو و بچه ات را می کند، برابر عرف و عادت و آن گونه که شایسته است، از مال وی بردارید و هزینه کنید. در آیه ۲۳۲ سوره بقره نیز خداوند متعال با واژه «بالمعروف» بدان تأکید ورزیده است. بالمعروف یعنی آنچه را که عرف حق زن می داند به آن گونه که شایسته او است و این نشان می دهد که شوهر باید بر اساس عرف و عادت و به مقتضای زمان و مکان، نفقه زن را بدهد. منظور از عرف، هم عرف عام است و هم عرف خاص. امروزه به نظر متخصصین امور خانواده و تربیت، زن به عنوان همسر و مادر در محیط خانواده، علاوه بر نیازهای مادی و بهداشتی، نیازهای علمی، آموزشی، رفاهی، معنوی و روانی نیز دارد. در مباحث جامعه شناسی خانواده آمده که وظایف مرد در خانواده عبارتند از:۱. وظایف پایه؛ و آن شامل اموری از قبیل تأمین نیازهای اولیه مانند خوراک، پوشاک، مسکن، امنیت و مراقبت بهداشتی است. ۲. وظایف تحولی؛ و آن عبارت است از وظایفی که باید تضمین رشد سالم اعضاء خانواده به موازات برآوردن نیازهای اولیه زندگی مورد توجه قرار گیرد. این نیازها عبارتند از فراهم آوردن آموزش و کمال خانواده، تأمین محبت و تکریم متقابل. ۳. وظایف بحرانی؛ و آن عبارت است از وظایف خانواده در حوادث و رخدادها و مهارت توانایی با آنها را در زندگی مورد توجه قرار می دهد (بستانی،۱۳۸۳، ۷۹). آنچه که از دیدگاه روانشناسان و جامعه شناسان به عنوان کارکرد اصلی خانواده محسوب می شود، در واقع همان تأمین نیازهای مادی و معنوی خانواده است و موفقیت خانواده در هر یک از این وظایف نام برده سبب می شود که خانواده دارای کارکردی مطلوب بوده و آرامش در خانواده حاکم شود. علاوه بر آنچه آمد، بر اساس روایات، فلسفه وجوب نفقه، فقر زوجه نیست، چه بسا ممکن است زنی با مردی ازدواج کند و ازتمکن مالی برخوردار باشد اما در عین حال بر مرد واجب است نفقه او را بپردازد. آنچه در بیان چرایی و حکمت پرداخت نفقه به همسر می توان گفت این است که اولا زن که به عنوان کمک کار مرد در امور خانواده وارد زندگی مرد می شود بتواند به نحو احسن و بدون

www.SID.ir

Archive of SID

دغدغه به وظایف خود که عبارت است از تمکین تام، معاشرت نیکو و ایجاد آرامش در محیط خانه، عمل نماید. ثانیا توجه به جنبه مادری زنان و تربیت فرزندان صالح و نیکوست؛ یعنی از این جهت که زن ذاتا صلاحیت مادر شدن را دارد و ارزش و قیمت او نیز در همین امر است، خداوند متعال به این ویژگی در زن عنایت ویژه کرده و جنبه مادری را مورد حمایت قرار داده است. ثالثا به نظر برخی از فقها علت تامه وجوب نفقه، عقد نکاح است نه تمکین (بحرانی،۱۴۰۵، ۲۵، ۱۰۱ ؛ سبزواری، ۱۴۲۳، ۲۰، ۲۹۷). به نظر ایشان اطلاق آیات قرآن دلالت بر وجوب انفاق به زوجه از زمان عقد می کند. به علاوه در صورتی که به واسطه بیماری یا در اثر رتق، مباشرت با زن ممکن نباشد، نفقه اش واجب است و از این معلوم می شود که تمکین شرط نیست بلکه وجوب نفقه به وسیله عقد محقق می گردد و تنها مسقط آن نشوز است و سقوط نفقه در صورت نشوز به خاطر وجود دلیل خارجی است (همان). از اینرو برخی از فقها معتقدند که شرط اسقاط نفقه توسط شوهر در ضمن عقد نکاح باطل است(کاشف الغطاء، ۱۴۲۲، ۲۵۸؛ کیدری، ۱۴۱۶، ۴۲۸) و دلیل آن علاوه بر امری بودن قوانین مربوط به انفاق زوجه و ماهیت حکمی آن (امامی، ۱۳۹۳، ۴، ۴۹۰؛ سید هاشمی و مرتضوی، ۱۳۹۳ ،۲۰۷) و این که چنین اسقاطی به منزله اسقاط شیء معدوم و از مصادیق ما لم یجب است(ابن عابدین، ۱۴۱۲، ۳، ۴۵۳؛ قرافی، ۱۴۱۸، ۱، ۲۰۰) [۱] مغایرت آن با مقاصد شریعت در نکاح است. روح قوانین شریعت در ازدواج این است که همواره زن بازیگر نقش اول در تربیت فرزندان، ایجاد آرامش در محیط خانواده و سنگ صبور همسر و فرزندان در زندگی باشد. حال اگر وی بخواهد نفقه زندگی را نیز عهده دار گردد، به دلیل مشغله و مشکلات فراوانی که در بیرون خانه بر او تحمیل می شود، بدون تردید نقش اساسی و مهم خود را ایفاء نکرده و در نتیجه این امر سبب تزلزل خانواده و عدم تربیت صحیح فرزندان می گردد. وانگهی مسایل مالی غالباً باعث ایجاد تلخ ترین اختلافات بین زوجین و در نهایت موجب تزلزل بنیان خانواده می شود. تعهد زن به پرداخت نفقه و انجام هزینه هایی برای امور معیشتی خود، بدون اطلاع شوهر و یا حتی با اطلاع او، ممکن است مشکلاتی بین طرفین ایجاد کند که حل آن سخت و امری پر هزینه است. همچنین شرط اسقاط نفقه زن توسط زوج، چه بسا ممکن است موجب انتظارات و توقعات بیشتر از جانب مرد در اداره امور اقتصادی خانواده از سوی زن شود که این امر نیز با نقش اساسی زن در خانواده در تعارض است. بدیهی است همه آنچه گفته شد، هیچ منافاتی با حضور زن در فعالیت های اجتماعی و اقتصادی و کمک به اقتصاد خانواده با اختیار و آزادی اراده و با رعایت

۱. هرچند هر کدام از این ادله در جای خود مورد نقد و بررسی قرار گرفته(خویی، بی‌تا، ۲۸۹- محقق داماد، ۱۳۸۷، ۲، ۲۹۰ و ۱۳۹۵، ۲۹۳)- ایزدی فرد و همکاران، ۱۳۹۲، ۲۳) اما در این مقاله ما در مقام صحت و سقم آن نبوده و فقط از منظر مقاصد شریعت، عدم صحت شرط اسقاط نفقه زن، مورد بحث قرار گرفته است.

www.SID.ir

Archive of SID

قوانین شرعی نخواهد داشت، بلکه حکم شرعی حجاب نیز در همین راستا و مبیّن نقش کلیدی زن در جامعه است. بنابر این مبنای وجوب نفقه، عقد نکاح یعنی تشکیل خانواده است. یعنی با تحقق عقد نکاح که به عنوان مقدمه و شرط لازم جهت تولید نسل و تربیت فرزندان صالح است، زن به دلیل نیازهایش در این امر، مستحقق نفقه می گردد، هر چند که شرط کافی آن تحقق تمکین است. این نیازها امروزه با پیشرفت انسان ها و جوامع بشری و نیازهای جدید و نو در حوزه خانواده و تربیت فرزند، علاوه بر آنچه که در فقه و حقوق مطرح شده، مصادیق دیگر نیز می تواند پیدا کند و شامل تمام نیازمندیهای زن به عنوان همسر و مادر می شود. به بیان دیگر مواردی که در فقه و حقوق در باب نفقه زن مطرح شده، فی نفسه موضوعیت ندارد، بلکه با توجه به نیازهای زن در امور مربوط به خانواده بوده و لذا طریقیت داشته و امروزه با نیازهای جدید، از شمولیت بیشتری برخوردار است. وانگهی وضع احکام شرعیه بر اساس قضایای حقیقیه است نه قضایای خارجیه، بر این اساس حصر نفقه زن در موارد خاص مانند پوشاک، غذا و مسکن و سایر نیازهای مادی با مقصود شارع مقدس در تشریع احکام منافات داشته و برخلاف مصلحت خانواده، استحکام آن و مقصود اصلی او در نکاح یعنی تولید نسل، انشاء صورت انسانی و طهارت نسل است. راه حل دیگر که می توان براساس آن مدعای فوق را اثبات کرد الغای خصوصیت از طریق مناسبت بین حکم و موضوع است. مناسبت بین حکم و موضوع به معنای مناط ها، روابط و مناسبت هایی است که در دید عرف میان یک حکم و موضوع آن وجود دارد .این مناسبت ها درگذار زندگی، میان جامعه‌ای خاص در ذهن اهل عرف رسوخ کرده است به گونه ای که گاهی سبب تخصیص و گاهی سبب تعمیم حکم و موجب ظهور کلام در الغای خصوصیت می گردد. به بیان دیگر ، این مناسبت ها هنگام شنیدن دلیل، باعث انسباق تخصیص یا تعمیم آن می شود و این انسباق حجت است زیرا سبب انعقاد ظهور برای دلیل می شود و هر ظهوری حجت است (ایروانی، ۱۴۱۵، ۴، ۸۴؛ صدر، ۱۴۱۵، ۱، ۲۵۷؛ موسوی خمینی، ۱۴۱۰، ۲، ۳۷و۱۰۵؛ موسوی خویی، ۱۴۱۷، ۵، ۱۳۰ و۱۳۱). این مناسبت از جنس ارتکازات عقلایی است که می تواند جلوی ظهور کلام را گرفته و ظهور دیگری را پدید آورد (حکیم، ۱۴۰۴، ۱۰، ۲۰۵). این مناسبت در خصوص بحث تاثیر زمان و مکان در دگرگونی موضوعات و به تبع حکم آنها نقش بسزایی دارد. گاهی سائل با توجه به عصری که در آن بوده،سوالاتی از محضر ائمه کرده است که در تطبیق آن با شرایط عصری دیگری ، موضوعیت داشتن یا طریقیت داشتن عنوان جکم ، اهمیت دارد و مناسبت حکم و موضوع در این مسأله می تواند راهگشا باشد (صدر، ۱۴۱۵، ۱، ۲۵۷). در مسأله حاضر، روایات متعددی که در باب نفقه زوجه وارد شده، مناسبات حکم و موضوع که عرفا از امثال این روایات فهمیده می شود، بدون اشکال به الغای تضییق و تحدید نیازهای زن در مسایل مادی مالی حکم می کند . به بیان دیکر

www.SID.ir

Archive of SID

براساس مناسبت حکم و موضوع، ارتکازات عقلائیه و عرف مقتضی آن است که موارد مطرح شده در نفقه زوجه ،در لسان روایات، ظهور در تقیید موضوع نداشته و ظهور دیگری را پدید آورده است که سبب سقوط ظهور اولیه می گردد. در موضوع مورد بحث ، ظهور اولیه ، وجوب نفقه زوجه در امور مالی است اما براساس مناسبت بین حکم و موضوع ، ظهور ثانویه آن سبب سقوط ظهور اولیه شده و حاکی از آن است که موارد ذکر شده در روایات، ازباب مثال و ذکر مصادیق رایج در زمان خود بوده است و در زمان فعلی با توجه به گسترش علم در مسائل تربیتی و نیازهای خانواده در امورات مختلف ، علاوه بر غذا و لباس و مسکن ، موارد دیگر مانند نیاز های معنوی، روانی، بهداشتی، آموزشی و علمی نیز باید به عنوان نفقه زوجه مطرح گردد. با توجه به آنچه آمد می توان گفت که نفقه عبارت است از تامین نیازمندی های مادی، بهداشتی، معنوی، روانی، علمی و آموزشی زن در محیط خانواده و شامل هر آن چیزی است که در استحکام خانواده و تربیت فرزندان ارتباط پیدا کرده و تاثیر بسزایی دارد. وانگهی– چنان که آمد – حکم به وجوب نفقه به صورت قضیه حقیقیه بوده و شامل تمام ازمنه و امکنه وشرایط و حالات می شود و خصوصیت خاصه ای و جود ندارد که فقط شامل نیازهای مالی زن شود، و این حکم به امور غیر مالی نیز تسری پیدا می کند.نکته شایان ذکر این که هرچند کیفیت نفقه ای که بر عهده ی شوهر است باید متناسب با وضعیت و احتیاجات زن به طور متعارف باشد اما با عنایت به مفاد ۱۲ قانون حمایت خانواده که لزوم توجه به وضع مالی و اجتماعی دو طرف را می توان استنباط کرد و نیز قاعده لاضرر و لا حرج، لازم است موقعیت و وضع مالی و توان اقتصادی شوهر نیز مورد لحاظ قرار گیرد. ممکن است گفته شود زن با توجه به موقعیت ضعیف مالی شوهر در تامین نفقه او، چه بسا در حرج و ضرر قرار می گیرد ، در این صورت انتفاء کدام ضرر مقدم است؟ در پاسخ باید گفت در صورتی که امر دایر بین دو ضرر شود ، ضرر کمتر اختیار می گردد (آخوند خراسانی،۱۴۳۰، ۳، ۱۶۳). در مسأله حاضر ،ضرر حاصل از عدم پرداخت نفقه مناسب با وضعیت زن به مراتب کمتر از ضرر حاصل از توانایی پرداخت نفقه توسط شوهر است چرا که تحمیل و اجبار مرد به پرداخت نفقه مناسب، باعث تزلزل و از بین‌رفتن بنیان خانواده می شود، در نتیجه اختیار نمودن ضرر کمتر مقتضی لحاظ توان مرد در پرداخت نفقه می باشدمرد در پرداخت نفقه می باشد هرچند که مرد نیز باید نهایت سعی و تلاش خود را در این مورد بنماید.

۵- هدف نهایی نفقه

پیشتر آمده که بر اساس مقاصد شریعت، اهداف فقه مصالح پنجگانه (دین، عقل، مال، نفس و نسل) است (فاضل مقداد، ۱۴۰۴، ۱، ۱۵) اما در این میان آنچه به عنوان هدف ثابت و نهایی است، مصلحت دین

www.SID.ir

Archive of SID

و تحصیل سعادت اخروی بوده و سایر مصالح در جهت تحقق آن است. بر اساس این دیدگاه هدف فقه صرفاً دنیوی و تامین سعادت این جهانی نیست که برخی آن را مطرح کرده اند (سروش، ۱۳۸۴، ۳۴ تا ۵۳) زیرا؛ اولاً هدف شارع مقدس در التزام پندگان به احکام فقهی، اجر اخروی و پاکی از هرگونه رجس و پلیدی است. رسول خدا (ص) در سخنرانی حجه الوداع فرمود: " به خدا هیچ چیزی نیست که شما را به بهشت نزدیک و از دوزخ دور کند جز آن که به شما بدان فرمان دادم، و هیچ چیزی نیست که شما را به دوزخ نزدیک و از بهشت دور کند جز آن که شما را از آن نهی کردم" (کلینی، ۱۳۷۵،۴، ۲۲۵). ثانیاً مصلحت عقل و نسل و جان و مال به عنوان اهداف متغیر، در موجودیت و چگونگی تابع هدف ثابت یعنی مصلحت دین است، به عنوان مثال وجوب قصاص (بقره، ۱۷۹) برای حفظ حیات و بقاء نفوس در دنیا، و موجب تقوا و سعادت اخروی است (شیرازی، ۱۴۲۷، ۴۰۸). هدف دنیوی زکات تامین روزی فقرا و نگهداری اموال اغنیاء (ابن بابویه، ۱۳۸۰، ۲، ۱۹۷) و هدف اخروی آن تطهیر و تزکیه نفس است (توبه، ۱۰۳). در نکاح و به تبع آن نفقه، هدف دنیوی بقاء نسل، استحکام خانواده و انشاء صورت انسانی با تربیت و فرزندانی صالح است اما هدف اخروی احراز نصف دین، زمینه ساز تقوا، جلب رضایت الهی و متابعت از سنت رسول الله (ص) است (حرعاملی، بی تا، ۱۴، ۵ و ۶، دوره ۲۰ جلدی). در روایتی آمده که امام رضا(ع) فرمود: منظور از" امساک بالمعروف..." (بقره، ۲۲۹) این است که مرد نسبت به زنش اذیت و آزاری نداشته باشد و نفقه او را بپردازد(حرعاملی، بی‌تا، ۱۵، ۲۲۶) و در روایتی دیگر، نفقه مصداق بارز احسان به همسر معرفی شده است (همان، ۲۲۵). در واقع این تعابیر مبیّن آن است که هرچند هدف دنیوی نفقه، تامین معیشت زن و مایحتاج اوست، اما فلسفه وجودی آن به عنوان هدف ثابت به وجود آمدن آرامش، رفتار نیکو، احسان و نیکی و در نهایت رشد کمالات انسانی، تخلّق به اخلاق الهی و کمک به یکدیگر در تحصیل سعادت اخروی است.

فقهاء با توجه به روایات مربوط به وجوب نفقه و از جمله حدیث نبوی که – به هند زمانی که ابوسفیان نفقه او را نمی داد– فرمود: "خُذی مایکفیک و ولدک بالمعروف" (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۱، ۳۰۲) بیست فایده را ذکر می کنند (حسینی شیرازی، ۱۴۰۹ق، ج۶۸، ص ۱۸۱ و ۱۸۲) آنچه در این موارد بیست گانه و روایات دیگر آمده است این است که هدف اسلام از وجوب نفقه فقط تامین نیاز های مالی همسر نیست، بلکه هدف نهایی شخصیت دادن به زن، عدم ظلم به او، رفتار معروف و شایسته با او، عدم تاثیر بد رفتاری زن در کاستی مقدار و حد و اندازه نفقه تا زمانی که به نشوز وی نرسد، عدم خروج زن از منزل بدون ضرورت و اضطرار، توجه به شوهر و تربیت فرزند. همه این ها در راستای همان هدف ثابتی است که بدان اشاره شد.

www.SID.ir

Archive of SID

۶- نتیجه گیری

با توجه به مقاصد کلی شریعت در نکاح که عبارت است از تولید نسل ،انشاء صورت انسانی و تربیت فرزندانی صالح و شایسته و نیز مقاصد جزیی شریعت در نفقه که هدف دنیوی آن عبارت است از تامین نیازمندی های زن در خانواده و هدف نهایی ان تحصیل سعادت اخروی است، می‌توان گفت که اولاً شرط اسقاط نفقه زن در ضمن عقد نکاح جایز نیست زیرا این امر در نهایت سبب تزلزل بنیان خانواده، کم رنگ شدن نقش مادری زن در تربیت فرزند به دلیل مشغله اقتصادی و اجتماعی و اختلافات مالی بین زوجین می گردد. ثانیاً نفقه زوجه که در روایات آمده – یعنی غذا و لباس و مسکن – فی نفسه موضوعیت نداشته و شامل نیازهای دیگر زن مانند امور بهداشتی، روانی، معنوی، آموزشی و علمی که مربوط به خانواده و تربیت فرزندان است و مهارت های ارتباطی و تربیتی نیز می شود. ثالثاً قلمرو و مصادیق نفقه فقط محدود به رفع نیاز های مادی مثل مسکن، پوشاک و غذا نیست بلکه شامل همه مواردی است که در تحقق هدف ثابت و نهایی موثر است، از این رو پیشنهاد می گردد ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی به این صورت اصلاح گردد:" نفقه عبارت است از همه نیاز های متعارف و متناسب با وضعیت زن در امور مادی، بهداشتی، معنوی، روانی، علمی و آموزشی که در استحکام خانواده و تربیت انسانی و الهی فرزندان موثر است."

فهرست منابع

۱. قرآن مجید
۲. آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین (۱۴۳۰). کفایه الاصول. قم: موسسه النشر اسلامی.
۳. ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۱). مقاصد الشریعه الاسلامیه. اردن: دارالنفاس.
۴. ابن عابدین، محمد امین (۱۴۱۲). ردّالمختار علی الدّر المختار. بیروت: دارالفکر..
۵. ابن منظور،محمدبن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت: دارالفکر–دارصادر.
۶. ابن النجار،تقی الدین محمد بن احمد (بی تا). منتهی الارادات. مکتبه دارالعروبه: مطبعه دارالجیل.
۷. ابن الهمام، الامام کمال الدین (بی تا). قاهره: فتح القدیر.
۸. امامی، سیدحسن (۱۳۹۳). حقوق مدنی. تهران: انتشارات اسلامیه. چاپ بیست و سوم.
۹. انصاری، قدرت الله (بی تا). احکام و حقوق کودکان در اسلام. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار.
۱۰. ایروانی، باقر (۱۴۱۵). الحلقه الثالثه فی اسلوبها الثانی. تهران: سعید بن جبیر.
۱۱. ایزدی فرد، علی اکبر و محسنی دهکلانی، محمد و ادبی فیروزجایی، رزاق(پاییز و زمستان ۱۳۹۳). وضعیت حقوقی شرط عدم نفقه در نکاح دائم، مجله آموزه های فقه مدنی، شماره۸.
۱۲. بحرانی ، یوسف بن احمد (۱۴۰۵). الحدائق الناضره فی احکام العتره الطاهره. قم: دفتر انتشارات اسلامی. چاپ اول.
۱۳. بستانی ، حسین (۱۳۸۳). اسلام و جامعه شناسی خانواده. موسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه.
۱۴. بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸). انوارالتنزیل و اسرار التاویل. بیروت: دار احیاء التراث العربی. چاپ اول.
۱۵. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰). الصحاح. بیروت: دارالعلم للملایین. چاپ اول.
۱۶. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. قم: موسسه ال البیت(ع). چاپ اول.

www.SID.ir

Archive of SID

حسینی شیرازی، سید محمد (۱۴۰۹). الفقه. بیروت: انتشارات دارالعلوم.
۱۸. حکیم، سید محسن (۱۴۰۴). مستمسک العروه الوثقی. قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
۱۹. خویی، سید ابوالقاسم (بی تا). منهاج الصالحین. انتشارات دارالزهرا. بیروت. چاپ بیستم.
۲۰. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت نامه. دانشگاه تهران: انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۲۱. راغب اصفهانی، ابوالقاسم ،حسین بن محمد (بی تا). مفردات الفاظ القرآن. تهران: المکتبت المرتضویه.
۲۲. زمخشری، محمودبن عمر (۱۴۰۷). الکشاف. بیروت: دارالکتاب العربی. چاپ سوم.
۲۳. سبزواری، محمد بن باقر (۱۴۲۳). کفایه الاحکام. قم: دفتر انتشارات اسلامی. چاپ اول.
۲۴. سروش، عبدالکریم (۱۳۸۴). قصه ارباب معرفت. گوتنبرگ:چاپ پدیده. چاپ ششم.
۲۵. سیدهاشمی، سید محمداسماعیل و مرتضوی، زهرا السادت (۱۳۹۳). بررسی حق و حکم در حضانت، نفقه و رجوع در طلاق، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۶۶.
۲۶. شهید اول، زین الدین، الجبعی العاملی(۱۴۰۰). القواعد و الفواید. قم: انتشارات مفید. چاپ اول.
۲۷. شهید ثانی، محمد بن جمالدین (بی تا). شرح لعمه. بیروت: دارالعالم الاسلامی.
۲۸. شیخ صدوق ، محمد بن علی ،(۱۲۸۵). علل الشرایع. نجف: مکتبه الحیدریه. چاپ اول.
۲۹. شیخ طوسی،ابو جعفر محمد بن حسن (۱۳۷۸). المبسوط فی فقه الامامیه. تهران: المکتبه المرتضویه. چاپ سوم.
۳۰. شیرازی، ناصر مکارم (۱۴۲۷). دائره المعارف فقه مقارن. قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب(ع)، محقق/مصحح: جمعی از اساتید و محققان حوزه، چاپ اول.
۳۱. صدر، سید محمد باقر (۱۴۱۵). دروس فی علم الاصول. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۲. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیرالقرآن. تهران: ناصر خسرو . چاپ سوم.
۳۳. علامه طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۰). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات. چاپ دوم.
۳۴. فاضل مقداد، جمال الدین (۱۴۰۴). التنقیح الرائع لمختصر الشرایع. قم: مطبع الخیام.
۳۵. الفیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴). مصباح المنییر. قم: دارالهجره. چاپ دوم.
۳۶. قرافی،احمدبن ادریس (۱۴۱۸). الفروق او انوارالبروق فی انواء الفروق. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳۷. کاشف الغطاء، حسن بن جعفر(۱۴۲۲). انوار الفقاهه(کتاب النکاح). نجف اشرف: موسسه کاشف الغطاء.
۳۸. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۷۵). اصول کافی، ترجمه محمدباقر کمری. قم: انتشارات اسوه.
۳۹. کیدری، محمدبن حسین (۱۴۱۶). اصباح الشیعه بمصباح الشریعهٔ. قم: موسسه امام صادق(ع).
۴۰. مجلسی دوم ،محمد باقر (۱۴۰۴). مراهٔ العقول. تهران: دارالکتب الاسلامیه. چاپ دوم.
۴۱. ..... (۱۴۱۰). بحارالانوار. بیروت: موسسه الطبع و النشر.
۴۲. محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۸۷). قواعد فقه(بخش مدنی). تهران: انتشارات سمت، تهران. چاپ هشتم.
۴۳. ..... (۱۳۹۵). بررسی فقهی حقوق خانواده. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی. چاپ هجدهم.
۴۴. مظفر، محمدرضا (۱۳۷۵). اصول الفقه. قم: اسماعیلیان. چاپ پنجم.
۴۵. منتسکیو، شارل لویی (۱۳۴۹). روح القوانین، ترجمه علی اکبر مهتدی. تهران: امیرکبیر.
۴۶. منصور، جهانگیر (۱۳۸۱). قانون مدنی. تهران: نشردوران.
۴۷. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۴۱۰). الرسایل. قم: موسسه اسماعیلیان.
۴۸. موسوی خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۷). محاضرات فی اصول الفقه. قم: انتشارات انصاریان.
۴۹. نجفی، (۱۴۰۴). جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام. بیروت: داراحیاء التراث العربی. چاپ هفتم.

www.SID.ir